

یادداشت

ارزیابی انتقادی از محور ایران، روسیه و چین



فرهاد قادری

کارشناس مسائل سیاسی

«نگاه به شرق» در ادبیات سیاست خارجی ایران پدیده‌ای تازه نیست؛ ریشه‌هایش به دوران پس از جنگ سرد و حتی دهه ۱۳۷۰ بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که توازن قدرت جهانی در حال بازتکیب بود و ایران، محصور در فشارهای غرب، ناگزیر به جست‌وجوی گزینه‌های بدیل می‌شد. با این حال، چرخش رسمی به شرق در قالب یک سیاست اعلانی، از سال ۱۳۹۸ به بعد و هم‌زمان با خروج آمریکا از برجام تثبیت شد. تهران در مقام کنشگر در پی آن بود که با تکیه بر قدرت‌های نوظهور آسیایی، فضای مانور خود را گسترش دهد و در عین حال مشروعیت گفتمانی جدیدی برای تنوع‌بخشی به سیاست خارجی فراهم کند. اکنون، در پایان ۱۴۰۴، پس از پنج سال تجربه عملی، روشن شده که این چرخش بیش از آن‌که تعبیری ساختاری از تحول در جهت‌گیری کلان کشور باشد، نوعی تطابق راهبردی با تحولات نظام بین‌الملل و واکنش به محدودیت‌های لحظه‌ای بوده است. شرق برای تهران، نه قدرت جذب‌کننده‌ای ذاتی، بلکه گزینه‌ای تاکتیکی در شرایط فشار حداکثری است. تحلیل حاضر تلاش می‌کند نشان دهد که چرا محور ایران، روسیه و چین صرفاً در قالب «وابستگی متقابل محدود» قابل فهم است و چرا این وابستگی، ایران را به مرحله‌ای موسوم به شرق موقت وارد کرده است؛ مرحله‌ای که ضرورت دارد پیش از تثبیت به عنوان الگوی پایدار، بازاندیشی شود. منشأ شکل‌گیری روایت «محور شرق» را باید در چرخش موازی سه قدرت نوظهور از مدار نظم تک‌قطبی جست. روسیه پس از بحران اوکراین، چین پس از تشدید رقابت فناوری و تجاری با آمریکا و ایران به دلیل استمرار تحریم‌ها، هر سه خود را در وضعیتی یافتند که به شبکه‌های جایگزین اقتصادی و امنیتی نیازمندند. از این منظر، شرق نه یک بلوک نهادمند، بلکه محفل موقت قدرت‌های در حال تعریف مجدد جایگاه خود در نظم جهانی است؛ مشابه حلقه‌ای از کنشگران که بر سر ضرورت چندجانبه‌گرایی اشتراک دارند، نه بر مبنای یک طرح مشترک برای نظم جایگزین. در همین چارچوب، تفاوت بنیادین در منطق تعامل سه بازیگر مشهود است؛ برای تهران، شرق ابزاری حیاتی برای کاستن از انزوای اقتصادی و تحریمی است؛ برای مسکو، تهران بازوی ژئواستراتژیک در خاورمیانه است که می‌تواند فشار ناتو را در جناح جنوبی تعدیل کند؛ برای پکن، ایران بخشی از شبکه تنوع‌بخشی انرژی و مسیرهای زمینی طرح «یک کمربند-یک جاده» است، نه شریک راهبردی معادل. این تفاوت در اولویت‌ها، محدودیت بنیادین را برای ایران رقم می‌زند: همکاری با شرق مبتنی بر همپوشانی منافع موقت است، نه بر اساس هم‌افزایی راهبردی بلندمدت. در واقع، این محور بیشتر شبیه یک ائتلاف اقتضایی است تا اتحادی نهادمند. برای درک ماهیت روابط ایران با چین و روسیه، می‌توان از مفهوم وابستگی متقابل در نسخه اصلاح‌شده‌اش بهره برد. در نظریه روابط بین‌الملل، وابستگی متقابل زمانی قوی است که دو یا چند کشور در حوزه‌های مختلف (اقتصادی، امنیتی، فرهنگی) به‌گونه‌ای درهم تنیده شوند که هزینه قطع رابطه برای هر دو طرف بالا باشد. اما در مورد ایران، روسیه و چین، شاهد نوعی وابستگی متقابل محدود هستیم؛ یعنی وابستگی‌ای که، تک‌بعدی است؛ محدود به حوزه‌های خاص مانند انرژی، فناوری نظامی و دور زدن تحریم‌ها؛ نامتقارن است؛ ایران نسبت به شرق وابسته‌تر از شرق به ایران است؛ فاقد نهادی پیکنی است؛ هیچ ساختار نهادی مستحکم (مانند اتحادیه اروپا یا ناتو) برای تضمین تداوم همکاری وجود ندارد. مثال‌های عینی این محدودیت عبارتند از: سند همکاری ۲۵ ساله ایران-چین؛ این سند که با شور و هیجان فراوان به امضا رسید، در عمل به بخش قابل توجهی از اهداف اولیه دست نیافته است. سرمایه‌گذاری مستقیم چین در ایران (حدود ۵ میلیارد دلار) به مراتب کمتر از آنچه در پاکستان (CPEC) ۶۲ میلیارد دلار با عربستان سعودی انجام شده، است. همکاری نظامی ایران-روسیه؛ در حالی که تهران و مسکو در سوریه و اوکراین (از طریق پیماندها) همکاری نظامی داشته‌اند، این همکاری همیشه با محدودیت‌های روس‌ها در انتقال فناوری‌های حساس همراه بوده است. حتی در بحث ۴۰۰۰، روسیه با احتیاط عمل کرده و تریج داده است این سامانه را به کشورهایی مانند ترکیه و هند بفروشد. یکی از انگیزه‌های اصلی چرخش به شرق، دور زدن تحریم‌های غربی از طریق ایجاد مسیرهای بدیل تجاری و مالی بود. اما در عمل، دستاوردهای اقتصادی این چرخش محدود بوده است. حجم تجارت ایران با چین در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۸ میلیارد دلار و با روسیه حدود ۴ میلیارد دلار بوده؛ رقم‌هایی که اگرچه قابل توجه است، اما به دلیل ماهیت نامتقارن (صادرات نفت خام در برابر واردات کالای نهایی) از تنوع‌بخشی واقعی اقتصادی فاصله دارد. مشکل اصلی این است که هیچ‌یک از شرکای شرقی حاضر به پذیرش ریسک نظام مالی آمریکا نیستند؛ پروژه‌های بانک توسعه شانگهای یا بریکس هنوز مکانیسم جایگزین کارآمدی برای سونیتف فراهم نکرده‌اند. بنابراین، شرق از منظر عملکرد مالی همان محدودیت‌های ساختاری غرب را با شدت متفاوتی بازتولید می‌کند. از سوی دیگر، رقابت روسیه و ایران در بازار انرژی شرق آسیا در حال تشدید است. مسکوپس از تحریم‌های ۲۰۲۲ اروپا، نفت خود را با تخفیف‌های سنگین به چین و هند عرضه کرده و عمل‌باخشی از سهم باقی‌مانده ایران در بازار محدود کرده است. این روند موجب شده است که تهران به جای بهره‌برداری از فرصت‌های جدید، با یک شریک رقیب اضافی در حوزه انرژی شرق مواجه شود. بعد دوم چالش شرق‌گرایی، گفتمانی است. نگاه به شرق در بخشی از افکار عمومی داخلی و حتی در دستگاه دیپلماتسی، به جای آن‌که به مثابه بخشی از سبد متوازن سیاست خارجی درک شود، به تدریج با مفهومی هویتی پیوند خورده است.

تقی آزادارمکی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

با انباشت بحران‌های حل نشده

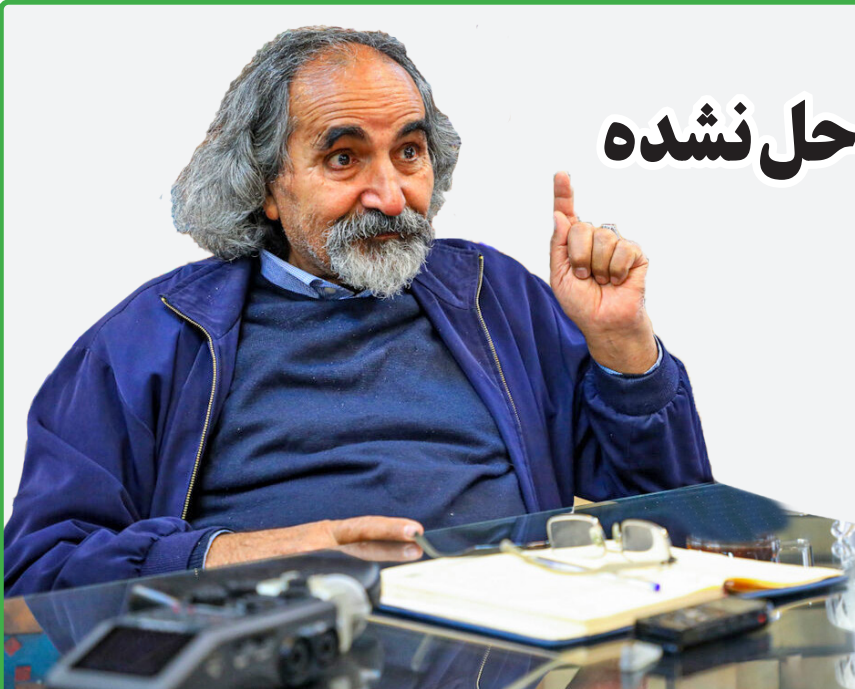
مواجه شده‌ایم

اگر وارد جامعه جهان می‌شدیم باین همه چالش‌مواجه نمی‌شدیم

مدیران جامعه با فقدان درک محدودیت‌ها و توانایی‌ها مواج هستند

آب و برق در همه کشورهای جهان به‌سادگی مدیریت می‌شود

حکمرانی متناسب با مشکلات جامعه تصمیم‌گیری نمی‌کند



کند. مسائلی مانند آب، برق، قیمت نان، آلودگی هوا، ترافیک و... از جمله مسائلی است که همه نظام‌های سیاسی در جهان با آن مواجه هستند و خیلی زود آن را مدیریت و کنترل می‌کنند در حالی که این وضعیت در ایران وجود ندارد. هنگامی که مدیران جامعه نمی‌توانند مشکل آب و برق را حل کنند، چگونه می‌خواهند وفاق را عملی کنند و یا خود را برای جنگ آماده کنند؟ جملات ذکر شده اظهارات دکتز تقی آزادارمکی استاد دانشگاه و جامعه‌شناس درباره پیامدهای اجتماعی بحران آب در گفت‌وگو با «آرمان ملی» است. آزادارمکی در این گفت‌وگو به مهم‌ترین چالش‌های نظام تصمیم‌گیری درباره بحران‌های موجود کشور اشاره کرده که در ادامه می‌خوانید.

دلیل این وضعیت این است که ایران هنوز مسائل اولیه خود را نمی‌تواند صورت‌بندی کند و برای آن راه حل پیدا کند. مسائلی مانند آب، برق، قیمت نان، آلودگی هوا، ترافیک و... از جمله مسائلی است که همه نظام‌های سیاسی در جهان با آن مواجه هستند و خیلی زود آن را مدیریت و کنترل می‌کنند در حالی که این وضعیت در ایران وجود ندارد. هنگامی که مدیران جامعه نمی‌توانند مشکل آب و برق را حل کنند، چگونه می‌خواهند وفاق را عملی کنند و یا خود را برای جنگ آماده کنند؟ در اینجا اتفاق عجیبی رخ داده که منشا بحران‌ها و ناپساامانی‌هاست. امروز مادر معادلات منطقه نقش مورد انتظار را ایفا نمی‌کنیم و شرایط به شکلی نیست که ایران بتواند برای مشکلات منطقه و دیگر کشورها مداخله موثر داشته باشد. به عنوان مثال در جنگ بین افغانستان و پاکستان نباید ترکیه میانجی می‌شد و بلکه تهران باید میزبان مقامات دو کشور برای ترک مواصمه می‌بود. به این دلیل که حاکمیت ایران هم با پاکستان‌ها قرابت دارد و هم با طالبان در افغانستان. سوال این است که چرا ایران نمی‌تواند در این زمینه نقش آفرینی کند؟ این وضعیت نشانه یک ضعف بنیادین در سیستم مدیریتی کشور است. هنگامی که یک سیستم نتواند فضای داخلی را ساماندهی کند بدون تردید نمی‌تواند در ساماندهی به فضای بیرونی نیز نقش داشته باشد و این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که توز حکمرانی ما مشکل دارد.

اغلب مدیران کشور از مناطق مرکزی مانند اصفهان، یزد، کرمان و... بوده و تلاش کرده‌اند سرمایه حاشیه کشور را به مرکز منتقل کنند. در واقع مادر سال‌های گذشته با فقدان درک محدودیت‌ها و توانمندی‌ها مواج بوده‌ایم

و در چه وضعیتی قرار داریم. زمانی سازوکار بروکراتیک در این زمینه نداشته‌ایم و اگر نمی‌دانستیم مشکل نبوده، اما در دهه‌های اخیر که وزارتخانه عریض و طولبی به نام وزارت نیرو وجود داشته، شرایط تغییر کرده است. این اتفاق عجیبی است که همه سازوکارها و کارشناسان لازم وجود داشته‌اما نتوانسته‌ایم تشخیص بدهیم که ما با مشکل آب و برق مواجه خواهیم شد و برای آن در زمان مناسب چاره‌اندیشی کنیم. بحران آب رها شده که این وضعیت به خوبی نشان می‌دهد که توز حکمرانی ما مشکل دارد.

بحران آب چه پیامدهای اجتماعی خواهد داشت؟ پیامدهای بحران آب از گذشته هم مشخص بود. ناامنی، بی‌اعتمادی و نوع تصمیم‌گیری و ناکارآمدی است که در نهایت به بحران امنیتی منجر می‌شود. این موضوع حتی می‌تواند جنبه بین‌المللی پیدا کند. هنگامی که مدیران جامعه نمی‌توانند مشکل آب آشامیدنی مردم را حل کنند، چگونه می‌توانند عدالت اجتماعی را اجرا کنند و در عرصه جهانی بین دول مختلف نقش آفرینی کنند؟ در چنین شرایطی است که تأثیرگذاری ایران در عرصه‌های مختلف منطقه و جهان حذف خواهد شد. در شرایط کنونی ایران در معادلات بین‌المللی نقش شایسته ندارد و نمی‌تواند نقش موثری را برعهده بگیرد.

در جنگ بین افغانستان و پاکستان نباید ترکیه میانجی می‌شد و بلکه تهران باید میزبان مقامات دو کشور برای ترک مواصمه می‌بود. به این دلیل که حاکمیت ایران هم با پاکستان‌ها قرابت دارد و هم با طالبان در افغانستان

غلامرضا کاتب:

مجلس دوازدهم بخشی از مطالبات اصلی ملت را به فراموشی سپرده است

امروز مجلس را بی‌خاصیت کرده‌اند و این آمییش برای نظام از آسیب‌اول بیشتر است. مجلسی که نمایندگانش تصمیم‌گیر نیستند و فقط معدودی در آن عمل‌تصمیم می‌گیرند، بی‌خاصیت می‌شود و در آینده نیز اقتداری نخواهد داشت. وی افزود: «امام فرمودند: «مجلس در رأس امور است» و اقتدار مجلس موجب اقتدار نظام می‌شود. اما وقتی با مجلسی مواجه هستیم که تأثیرگذاری در رأس امور ندارد، چگونه می‌تواند در رأس امور باشد؟ وی گریزی به شعار شفافیت نامزیدگان زد و تصریح کرد: «من خودم با این چالش روبه‌رو شدم. در مجلس دهم، بسیاری از نگاه‌هایی که بعد‌ها در مجلس یازدهم و دوازدهم شکل گرفت، همان افرادی بودند که به‌من‌رئیس کمیسیون آیین‌نامه می‌گفتند اجازه نمی‌دهم دیگر به این نکته فکر نمی‌کنند که باید دیگر تصویب شود. من می‌گفتم: عزیز من، شما اول شفافیت را تعریف کنید، آن هم بر اساس نیاز جامعه. همه آنها را مقبول داریم و معتقدیم باید انجام شود».

ایران شده است. نتوانستیم مشکل مسکن را حل کنیم و اکثر دیگر نمی‌توانند اجازه‌بها بپردازند. زوج‌های جوان وقتی نمی‌توانند اجازه بدهند، ازدواج نمی‌کنند یا مجبور به طلاق می‌شوند». بنابر گفته‌ی کاتب، دومین مسئله‌ی که امسال دولت دارد این است که بار بار بر دوش مردم می‌اندازد و مجلس هم ساکت است و چیزی نمی‌گوید. «افزود: «این نشان می‌دهد که مجلس رسالت اصلی خود مانند برجام و موارد مشابه، مشکل مردم را حل نمی‌کند. مشکل مردم امروز این است که نان شب شان را ندارند بخورند». این چهره‌ی سیاسی اصولگرا در پاسخ به پرسشی درباره‌ی حواشی نمایندگان مجلس گفت: «یکی اینکه همان جمله‌ای که حضرت عالی فرمودید درست است؛ مجلس به مسائل حاشیه‌ای سیاسی می‌پردازد و بیشتر نقدها نیز در همین حوزه انجام می‌شود، نه در حوزه‌ی مطالبات مردم. نکته‌ی دوم اینکه

تصویب کردند؛ مبنی بر اینکه افزایش قیمت حامل‌های انرژی (برق، آب، گاز و...) حتماً باید با مجوز مجلس شورای اسلامی صورت بگیرد». نماینده سابق مجلس خاطرنشان کرد: «در آن سال‌ها، یعنی ۹۶ و ۹۷، دولت دیگر اجازه نداشت قیمت‌ها را افزایش دهد. ما نمی‌گوییم قیمت‌ها نباید متناسب با شرایط اقتصادی افزایش یابد؛ بله، به خاطر ناترازی و مشکلات کمبود، مقداری افزایش ضرورت دارد، اما اینکه بخواهیم همه‌ی ناترازی‌ها بر دوش مردم بیندازیم، قابل قبول نیست. ما نمی‌توانیم مشکل کمبود برق، گاز و آب را صرفاً از طریق افزایش قیمت و گرانی بر دوش مردم بگذاریم. وی ادامه داد: «من در طول این مدت شاهد بودم که بسیاری از خانواده‌ها اکنون کل حقوق شان را فقط صرف پرداخت پول آب، برق و گاز می‌کنند. حالا که قیمت مسکن را هم دولت تعیین می‌کند، کارمند باید هرچه حقوق می‌گیرد، بدهد اجازه‌ی مسکنش. امروز مسکن تبدیل به کالایی لوکس و غیرقابل دسترس برای ملت عزیز

یک نماینده ادوار مجلس، درباره عملکرد مجلس دوازدهم بیان کرد: «حداقل انتظار می‌رود که ملت از مجلس دارند این است که زبان گویا و منتقل‌کننده‌ی پیام ملت ایران برای دولت باشند. من شاهد هستم که متأسفانه مجلس، مخصوصاً در مجلس دوازدهم، بخشی از مطالبات اصلی ملت را به فراموشی سپرده و وقتی هم در این زمینه صورت نمی‌گیرد، من بعضاً به برخی از دوستان و همکاران قبلی خودم این نکته را متذکر شدم و گفتم وقتی در برابر رأی مردم متعهد به ملت بزرگ ایران هستیم، باید با در مقابل خواسته‌های آنان همیشه مطالبه‌گر باشیم». غلامرضا کاتب، با بیان اینکه در مجلس دهم هیچ وقت اجازه نمی‌داد وزارت نیرو بدون اذن مجلس افزایش قیمت برق یا آب را اعمال کند، گفت: «امروز شاهد هستیم که دولت خودسرانه قیمت برق، آب و گاز را افزایش می‌دهد بدون آنکه مجلس متوجه شود. حتی یادم هست سال ۱۳۹۶ متنی را در قانون بوجه نوشتم که خوشبختانه همه همکارانم

گزارش

توان موشکی ایران

زبان گویای بازدارندگی و عزت ملی

جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه تلخ تجاوز رژیم بعثی عراق در شهریورماه سال ۵۹ در کنار حمایت‌های تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای از آن، این ضرورت را احساس کرد که برای دفاع از مردم، آرمان‌ها و تمامیت ارضی خود نیاز به ارتشی قوی، مجهز و متکی به توان داخلی و دانش بومی برای تولید تجهیزات پیشرفته دارد و بر همین اساس با درک عمیق از این واقعیت و تأکیدات رهبر معظم انقلاب بر تقویت توان دفاعی کشور، نیروهای مسلح کشورمان توسعه قدرت و توان موشکی را در کنار دیگر ارکان نظامی و دفاعی کشور به عنوان یکی از ارکان اصلی راهبرد دفاعی خود در دستور کار قرار داده است.

ناموس انقلاب

در همین راستا، می‌توان به سخنان رهبر معظم انقلاب در هشتم خرداد سال ۱۳۹۸ در دیداری ۳ ساعته با هزاران نفر از استادان و اعضای هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها اشاره کرد. معظم له توان دفاعی کشور را ناموس و اساس انقلاب خواندند و تأکید کردند: در رابطه با توان دفاعی کشور مذاکره نمی‌کنیم. براساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب و باتوجه به شرایط منطقه و جنگ‌های تصنعی که هرازگاهی در منطقه توسط دشمنان به راه می‌افتد و در کنار عناد و دشمنی علنی رژیم صهیونیستی و آمریکا، گسترش صنایع موشکی کشور نه تنها باخشی به تهدیدات خارجی، بلکه تبلور روحیه خودباوری و مقاومت در برابر فشارهای سیاسی و نظامی آنهاست. امروز ایران اسلامی با تکیه بر توان متخصصان داخلی، به یکی از قدرت‌های برتر موشکی در منطقه تبدیل شده است که نمونه بارز آن در جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه کشورمان به وضوح مشاهده شد، البته این پیشرفت در صنعت موشکی را مدیون شهید بزرگوار سردار حسن طهرانی مقدم و دیگر هم‌زمان شهیدش هستیم.

قدرت بازدارندگی ایران

امیر سرلشکر سید عبد الرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح کشورمان ۲۶ شهریورماه ۱۴۰۴ در بازدید از قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأکید کرد: ارتقاء توان دفاعی و هجومی نیروهای مسلح تعطیل‌پذیر نیست امیر سریتپ خلایب عزیز نصیرزاده وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان ۲۱ مرداد ۱۴۰۴ به مناسبت روز صنعت دفاعی در گفتگویی با تأکید بر قدرت دفاعی و نظامی کشورمان اعلام کرد: در جنگ ۱۲ روزه، اگر ما توان موشکی و دفاعی مناسبی نداشتیم، قطعاً آتش بس وجود نمی‌داشت. اگر ما ضعیف نشان بدهیم، دشمنان تهاجی‌تر عمل خواهند کرد. بنابراین توسعه صنعت دفاعی ما باید بر اساس نیازهای واقعی و تجارت به دست آمده از جنگ‌ها باشد. همچنین وزیر دفاع روز دوشنبه ۱۹ آبان ماه ۱۴۰۴ در جلسه علنی مجلس درباره تولیدات دفاعی کشورمان خطاب به نمایندگان مجلس و مردم کشورمان گفت: تمام تولیدات دفاعی کشور هم اکنون هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت بالاتر همه ملت ایران می‌شود و این را راستا وجود ندارد و امیدریادر حیب...، بسیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش هم در رابطه با بنیه دفاعی کشور می‌گوید: امروز توان موشکی یک ابزار کاملاً بازدارندگی است. دشمن به روش‌های مختلف، تهدیداتی علیه ما داشته و دارد و خواهد داشت، به همین جهت برای آنکه بتوانیم استقلال، تمامیت ارضی، انقلاب و امنیت خود را حفظ کنیم نیاز داریم توانمندی‌های دفاعی را افزایش دهیم. معاون هماهنگ‌کننده ارتش معتقد است: نوع جنگ و تهدید و ابزار و نوع شبکه فرماندهی و کنترل متفاوت است و جنگ‌ها مدل شبکه‌ای پیدا کرده است، بنابراین تأکید می‌کند آنچه که امروز کمک می‌کند تا توان دفاعی با بروز تکیه بر علم و دانش است؛ ما با علم و دانش تجهیزات، سلاح‌ها و ابزار مورد نیاز متناسب با تهدیدهای آینده تهیه خواهد شد. سیاری با اشاره به تأکید فرمانده کل قوا مبنی بر اینکه باید در همه ابعاد قوی باشیم، یادآور شد: ما باید این مسیر را همیشه ادامه دهیم و متناسب با تهدیدات آینده آماده شویم و جوابگو باشیم. ارتقای توان در تمام ابعاد زمینی، هوایی، پدافند هوایی، دریایی و فضای سایبر و همه عرصه‌های نبرد همواره در دستور کار بوده است. سردار سید مجید موسوی فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز در گفت‌وگویی با بیان اینکه درخت موشکی ایران با شهید امیرعلی حاجی‌زاده و شهید محمود باقری تناور شد، گفت: با قدرت مسیر شهدا را ادامه می‌دهیم و دشمن را در صورت هرگونه خطا به زانو در خواهیم آورد.

نتیجه‌گیری

بنابراین با توجه به جنگ ۱۲ روزه و حمله ناجوانمردانه رژیم صهیونیستی و آمریکا جواب محکم و درخوور نیروهای مسلح و یگان موشکی هوافضای سپاه که دشمن را مجبور به عقب نشینی و اعلام آتش بس کرد می‌توان اذعان داشت که دستیابی به موشک‌های بالستیک و کرورز و باربر و دقت بالا، توسعه سامانه‌های سوخت جامد و مایع، و ارتقای فناوری‌های هدایت و کنترل، توان بازدارندگی کشور را به سطحی رسانده که هرگونه تهدید نظامی علیه ایران و اشتباه دوباره دشمنان را با هزینه‌های سنگین و غیرقابل پیش‌بینی برای دشمنان همراه ساخته است.